

چالشها و راهبردهای توسعه فضایی روستاها (مطالعه موردی: بخش بندپی شرقی و غربی از شهرستان بابل)

سعیدی محمدی¹، الهام داوری²، چنور محمدی³

چکیده

شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به دنبال آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ از ویژگی‌های عصر حاضر است و توسعه پایدار آن‌ها در گرو داشتن برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کارآمد است آنچه همواره در مدیریت شهری مورد توجه است عمدتاً مسائل و مشکلات کلانشهرها و شهرهای بزرگ، گاهی شهرهای میانی می‌باشد و کمتر توجهی به مسائل و مشکلات مدیریتی در روستا شهرهای میانی، در صورتی که اگر روستاها بتوانند از نظر اقتصادی خودکفا باشند می‌توانند با پذیرش سهم عمده‌ای از عوامل منابع تولید، سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی منطقه موجب شکوفایی و رونق ناحیه پیرامونی خود گردند در این راستا پژوهش حاضر تلاش دارد تا به بررسی چالش‌ها و راهبردهای روستاها در بخش بندپی شرقی و غربی از شهرستان بابل بپردازد. روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی و میدانی است. جامعه آماری پژوهش خانوارهای ساکن در بخش بندپی غربی و شرقی از شهرستان بابل است که با بهره‌مندی از روش کوکران 200 خانوار به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده‌اند؛ در نهایت با جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها این نتایج حاصل شد که این گونه روستاها با موانع و مشکلات اساسی چون دفع و تفکیک زباله، عملکرد ضعیف نهادهای شهری، پایین بودن مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری و ... دچار هستند که این چالش‌ها با راهبردهای چون تقویت سازمان‌های شهری، توسعه و گسترش خدمات و امکانات شهری و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای و ... مسطح خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: روستا، چالش‌ها و راهبردها، توسعه فضایی، بخش بندپی غربی و شرقی بابل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

2. دانشجوی دکترا، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد

3. دانشجوی دکترا، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

مقدمه

آنچه امروز اهمیتی روزافزون می‌یابد، این واقعیت است که نه تنها جوامع به گونه کلی، بلکه جماعت‌های روستایی نیز در حال پیچیده‌تر شدن روزافزون هستند، این گونه پیچیدگی‌ها در تنوع پذیری الگوهای فعالیت و جابه جایی افراد، خانوارها و نهادها و به گونه کلی در حجم روزافزون جریان داده‌ها، سرمایه‌ها، نوآوری‌ها و ... به خوبی قابل ردیابی است (سعیدی، ۱۳۹۰: ۴). در این میان، رشد جمعیت، شهرگرایی و بازده‌های نزولی در واحدهای کوچک کشاورزی خرد نشانگر آن است که تعامل و پیوندهای روستایی- شهری در اقتصاد محلی و نحوه معیشت تعداد کثیری از آنان نقش مهم و رو به گسترشی را بر عهده دارد. لیکن در حال حاضر، به توسعه نواحی روستایی توجه کمتری می‌شود، درحالی که توسعه روستایی نقش اساسی را در توسعه شهری و رشد اقتصاد منطقه‌ای ایفا می‌کند (لانگ و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۵۴). از طرفی پایین بودن سطح زندگی در نواحی روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به سمت شهرهای بزرگ، مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را در نواحی روستایی و هم در شهرها دنبال داشته است، لذا برای کاستن آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی در پیش گرفته شده است که سیاست ایجاد و توسعه شهرهای کوچک به عنوان یکی از سیاست‌های عمده در امر برنامه ریزی کشورهای در حال توسعه می‌باشد و در کشور ما از طریق اجرای سیاست ارتقاء روستاهای بزرگ و مستعد به شهرشدن، با هدف بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در نواحی، موجب کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و جذب مهاجران در شهرهای کوچک شده است. برخی مطالعات نیز موید کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ی تبدیل مراکز روستایی به شهر بوده است زیرا شهرهای کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارائه خدمات مورد نیاز ساکنان نقش مؤثری در زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه داشته است (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱).

شهرهای کوچک بین شهرهای بزرگ و میانی از یک سو و نواحی بزرگ روستایی از سوی دیگر قرار گرفته‌اند و به عنوان پیوند دهنده بین این دو عمل می‌کنند و همچنین مناسب‌ترین شهرهای تاریخ با معیارهای قرن بیستم، شهرهای کوچک بوده‌اند این گونه شهرها در یک کلام از لحاظ عملکردی حلقه اتصال نقاط روستایی به مراکز شهری به شمار می‌آیند که با وجود نقاط قوت و فرصت‌های متنوع پیش رو، به لحاظ مدیریتی به ویژه در امور مالی با مشکلات زیادی (از جمله منابع مالی ناپایدار، ضعف نیروی انسانی و فنی و...) رو به رو هستند، و از این رو نیازمند مدیریت ویژه هستند (ایراندوست و امینی، ۱۳۹۰: ۹۱).

هم سو با این سیاست شهرهای کوچک در ایران که به عنوان یکی از استراتژی‌های توسعه روستایی مطرح و از دهه هفتاد با تبدیل تعداد زیادی از نقاط روستایی به شهر در ایران این امر اهمیت یافته است (برقی و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۱۷). به طوری که در طی سال‌های ۹۰-۱۳۳۵ تعداد شهرها از ۱۹۹ نقطه‌ی شهری به ۱۳۳۱ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در همین راستا در استان مازندران نیز تعدادی از نقاط روستایی به نقاط شهری تبدیل شده‌اند. به طوریکه تعداد شهرهای این استان از ۱۰ نقطه‌ی شهری در سال ۱۳۳۵ به ۵۹ نقطه‌ی شهر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) که به طور میانگین می‌توان بیان نمود در هر سال ۱/۴ روستا به شهر تبدیل شده است. بدین ترتیب نظام سکونت گاهی شهری و روستایی در استان‌های نظیر مازندران دستخوش تغییرات عمده شده که در ابعاد اقتصادی- اجتماعی و کالبدی سکونتگاه‌ها با پیامدهایی خاص همراه بوده است (سیف الهی و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۹). با توجه به اینکه شهرهای نوپای خشروپیی به عنوان مرکز بخش بندپی غربی و شهر گلوگاه به عنوان مرکز بخش بندپی شرقی که جامعه هدف این پژوهش می‌باشند جزء شهرهای هفت‌گانه از

شهرستان بابل می‌باشند که در پی سیاست تبدیل روستا به شهر در سال ۱۳۷۹ به عنوان شهر انتخاب شده‌اند، که از نظر وسعت و جمعیت سهم قابل توجهی از شهرستان بابل را به خود اختصاص داده‌اند. این شهرهای نوپا که بیش از یک دهه شهرشدن تغییر و تحول گسترده‌ای داشته‌اند هدف آن تأمین حداقل شرایط برای روستائیان است که آن‌ها را قادر سازد تا جوامع روستایی و منطقه‌شان را به توسعه اجتماعی و اقتصادی برسانند (اکبری‌ان رونی‌زی، ۱۳۹۳). این‌گونه شهرها به تبع شهر شدن از سویی با افزایش امکانات و خدمات گسترده شهری روبه شده‌اند و از طرفی با افزایش معضلات و مشکلات شهری دست و پنجه نرم می‌کنند، و از آنجایی که با عنایت به اهمیت و ضرورت این شهرها در نظام توزیع سلسله مراتبی کشور و نقش آن در رسیدن به توسعه پایدار شهری این پژوهش سعی دارد، به بررسی چالش‌ها و راهبردهای توسعه‌ی فضایی این‌گونه شهرها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

از دهه ۱۹۷۰، راهبرد توسعه شهرهای کوچک برای ایجاد یک الگوی عادلانه‌تر اقتصادی و فضایی هدایت شده مورد توجه محققان قرار گرفت (سیف‌الهی، ۱۳۸۷: ۸۰). به گونه‌ای که این راهبرد در کشورهای در حال توسعه یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، تبدیل روستاها به شهر و تقویت آن‌ها بوده است (شهرکی زنگنه، ۱۳۹۲: ۵۳۸). در واقع تبدیل نقاط روستایی به شهر در قالب راهبرد کارکردهایی مطرح می‌شود که ایجاد شهرهای کوچک را در پیوند شهری در توسعه روستایی محور قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۸۴). این سیاست معطوف به رویکرد شبکه منطقه‌ای به جای مدل‌های مبتنی بر نظام‌های بالا به پایین همچون قطب رشد شهری است و بر هماهنگ سازی و ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس توسعه شهرهای کوچک ناحیه‌ای و محلی استوار است (برقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

همچنین در ارتباط با نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی، سه دیدگاه مسلط بین جغرافیدانان توسعه و برنامه ریزان وجود دارد: دیدگاه فضایی عملکردی (دیدگاه خوش بینانه)، دیدگاه اقتصاد سیاسی (دیدگاه بدبینانه) و دیدگاه میانه. دیدگاه فضایی عملکردی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطرح گردید، بر این مسأله تأکید دارد که شهرهای کوچک از طریق پخش و رخنه به پایین نوآوری‌ها، خدمات و امکانات، در توسعه حوزه نفوذ خود نقش مثبت دارند. تمرکز این دیدگاه بر «رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی» است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰). از دهه ۱۹۷۰ به بعد به دلیل افزایش دلسردی، سرخوردگی و شکست برنامه‌های توسعه‌ای و مکانیزم رخنه به پایین، مطرح شده از سوی مکتب نئوکلاسیک به منظور رشد اقتصاد و مشکلات ناشی از شهرنشینی به ویژه در کشورهای جهان سوم، توجه برنامه ریزان به توسعه و ایجاد شهرهای کوچک معطوف گردید. تا پاسخگویی نیازهای توسعه عادلانه باشد (افراخته و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). از این دوره بجای توجه به سطوح بالای سیستم شهری، این عقیده که شهرها می‌توانند به بهبود توسعه نواحی روستایی کمک کنند، مورد توجه بیشتر قرار گرفت و تمرکز را بر روی روستا-شهرها و شهرهای کوچک در پایین سلسله مراتب شهری متمرکز نمود. کار اولیه در این زمینه که به وسیله «جانسون» (۱۹۷۰) انجام گرفت که در تئوری مکان مرکزی ریشه دارد وی با توجه به مطالعه موردی بر روی کشور هند، استدلال کرد که توسعه روستا-شهرها جهت پرکردن شکاف بین شهرهای بزرگ انگلی و روستا، یک شرط اساسی برای تجاری کردن کشاورزی است. از این رو یکی از وظایف برنامه ریزان، بهبود رشد شهرهای بازاری است. بر مبنای تئوری مکان مرکزی به عنوان چارچوب این بحث، شهرها همچنین می‌بایست در رابطه با یکدیگر شناخته شوند تا فضای مناسب و ترکیب کارکردی به وسیله اندازه و موقعیت در سلسله مراتب شهری تضمین شود. بعدها این ایده جانسون به وسیله «راندینلی» تحت عنوان رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی پیراسته شد و دفاع جانسون از انتخاب روستا-شهرهای کلیدی در مراکز توسعه روستایی، به عنوان یک مجموعه از نقش‌هایی که به وسیله شهرهای کوچک و شهرها

در نواحی روستایی برای توسعه روستایی ایفا شده است، توسط راندینلی تفسیر مجدد شد (داگلاس، ۱۳۸۸: ۸۹) و بدون شک از مصرترین این دیدگاه دنیس راندینلی است که با همکاری رودل در سال ۱۹۷۸ بحث عمیق و گسترده‌ای را در این زمینه با تقریر کتاب «عملکرد شهری در توسعه روستایی» فراهم آورد.

راندینلی و رودل (۱۹۷۶) مطرح نمودند که شهرهای کوچک به واسطه دامنه کالاهایی که آن‌ها برای ساکنان روستایی تدارک می‌بینند، نقش حیاتی در برانگیختن توسعه در نواحی روستایی در کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. در واقع راهبرد شهرهای کوچک، توزیع شهرنشینی با رویکرد پایین به بالا است و این یک واکنش به نارضایتی از رویکردهای بالا به پایین در برنامه ریزی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه است. رویکردی که ریشه در اقتصاد نئوکلاسیک دارد (اوموجا، ۱۹۸۷: ۶۷-۶۹). در همین حال نسبت به راهبرد روستا-شهر انتقاداتی مطرح شده که مهم‌ترین آن‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

- ۱- یکی از پیش فرض‌های راهبرد توسعه روستاشهری، قبول سیستم دموکراتیک دولتی در سطح توده‌ها است. حال آن که در کشورهای جهان سوم تحقق این پیش فرض با توجه به ساختار حکومتی آن‌ها و نبود ضعف دموکراسی، اگر محال نباشد، بسیار مشکل است (همان، ۲۲).
- ۲- این رویکرد در واکنش به اندازه شهر، اگرچه دارای یک تعصب شدید ضد شهرهای بزرگ است، اما نمی‌تواند مشکل موجود شهرهای بزرگ را حداقل در کوتاه مدت مرتفع نماید، بلکه اجرای این رویکرد به عنوان اصلاح و بهبود مشکل، به گونه خودکار و برای بلند مدت تبیین شده است.
- ۳- رویکرد روستاشهری به دلیل اتکای بیش از حد بر محور کشاورزی، دارای ضعف‌هایی است که نمی‌توان به آسانی پاسخ مناسبی برای آن‌ها پیدا کرد.
- ۴- یکی از مشکلات توسعه روستاشهری این است که مشخص نیست که چه نقشی برای روستاشهرهای موجود تعیین شده است. به عبارت دیگر، آیا یکپارچگی فرضی است برای واقع شدن بین توسعه شهری و برنامه ریزی روستاشهری؟ یا هر قلمرو توسعه فضایی فرض است تا در مدار خود بدون اختلال در محیط‌های دیگر به پیش برود (مرکز سازمان ملل متحد برای اسکان بشر، ۱۹۸۵، ۲۰).
- ۵- برخی محققان نگاه منفی به توسعه روستاشهرها دارند و معتقدند که روستاشهرها در حوزه نفوذ خود دارای یک نقش استثماری هستند و پیوند بین این شهرها با نواحی روستایی منجر به برتری و تسلط شهرهای انگلی مادر شهری می‌شود.

برخی معتقدند که روستاشهرها نمی‌توانند در بخش نوآوری‌ها به حوزه‌ی نفوذ خود نقش مهم و مؤثری داشته باشند. در صورتی که سکونتگاه‌ها به خوبی طبقه بندی نشده باشند، این چنین استدلال شده است که اغلب ساکنان روستایی دسترسی کمی به نهاده‌های کشاورزی و نوآوری‌های احتمالی در شهرهای کوچک و روستاشهرها دارند و این به خاطر ساختار فیزیکی و اجتماعی آن‌هاست (اوموجا، ۱۹۸۷، ۸۲).

ایده موضوع مطالعه و بررسی شهرها یا نقاط شهری کوچک در دنیای تحقیقات علمی، شاید اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و بحث مرکز توسعه روستایی قانل (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید که جدیدترین موضوع در کار برنامه ریزی توسعه فضایی و منطقه‌ای بود. بدون شک از مصرترین طرفداران این دیدگاه، دنیس راندینلی است، کار او و همکاران رودل (۱۹۷۸) و نوشته‌اش تحت عنوان شهرهای درجه دوم در کشورهای در حال توسعه بحث عمیق و پرتوانی راجع به موضوع فراهم آورد او مبنای عملکرد این شهرها را اغلب با تدارک خدمات، مراکز داد و ستد و نیز خدمات حمل و

نقل تعریف کرده است. تعیین شهرهای کوچک و مراکز داد و ستد باندیشه‌ی کریستالراز سلسله مراتب مکان‌های مرکزی همراه بود مکان‌هایی که کالا و خدمات را به مناطق اطراف خود عرضه می‌دارند این راهبرد از دهه ۱۹۸۰ بیشتر مورد توجه واقع شد (لطفی و همکاران ۱۳۹۵: ۱۰۵). به گونه‌ای که در کنفرانس‌های بین‌المللی جمعیت و آینده مناطق شهری در شهر رمو دومین کنفرانس سازمان ملل درباره سکونت گاه‌های انسانی مورد تاکید واقع شده است (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹). و همچنین هانسن (۱۹۸۰) از جمله محققانی است که در ارتباط با شهرهای کوچک مطالعات متعددی انجام داده و نظریه‌های اولیه‌ی وی که از بررسی این مطالعات به دست آمده، آنست که برای دستیابی کشورهای جهان سوم به رشد و عدالت، ضروری است تا شهرهای کوچک و میانی این نقش را ایفا نمایند و رشد اقتصادی، عدالت و رفاه عمومی را با یکدیگر پیوند بزنند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۹۳).

لیگاله (۱۹۸۲) با بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه‌ی ملیاً آفریقا به این نتیجه دست یافت که این شهرها با ارائه‌ی نقش مرکزیت در حوزة‌های روستایی به عنوان مراکز محرک توسعه در نواحی روستایی به شمار می‌آیند (لیگاله، ۱۹۸۲: ۹). جی. یو. آمونیز (۱۹۸۳) با مطالعه‌ی شهرهای کوچک و میانی به عنوان استراتژی توسعه در کشورهای جهان سوم، ضرورت دستیابی به نظام منطقی سکونتگاه‌ها را در این کشورها ضروری دانسته و ابراز داشته که تقویت این مراکز منجر به توسعه‌ی روستاها می‌گردد (اومو^۲، ۱۹۸۳: ۹) هاردوی و ساتر توایت^۳ (۱۹۸۶) اهمیت شهرهای کوچک در کشورهای جهان سوم را به عنوان مراکز سیاسی و اداری، مراکز ارائه خدمات و مراکز مدیریتی نواحی روستایی مورد بررسی قرار داده‌اند (هاردوی و ساتر توایت، ۱۹۸۶: ۹). هیندریک و تیتوس^۴ (۲۰۰۲) با مطالعه‌ی شهرهای کوچک در ۴ منطقه جاوه، مالی، سوزایلند و مکزیک و ارتباط آنها با توسعه‌ی منطقه‌ای به این نتیجه می‌رسند که نباید به نقش مفید شهرهای کوچک در توسعه‌ی مناطق روستایی پیرامون آنها و نیز توسعه منطقه‌ای عمومیت داد. سطح و میزان توسعه‌ی منطقه پیرامونی این شهرها و شرایط سیاسی اقتصادی حاکم نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین شرایط منطقه‌ای در قابلیت ایفای نقش مفید توسعه‌ای توسط شهرهای کوچک بسیار مهم است (هیندریک، ۲۰۰۲: ۳۷۹). کاماندا^۵ (۲۰۰۷) با مطالعه شهرهای کوچک در آمریکای جنوبی به این نتیجه رسیده است که توسعه و تقویت شهرهای کوچک منجر به ایجاد اشتغال، تمرکززدایی، جذب سرمایه گذاری‌ها و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای شده است (کاماندا، ۲۰۰۷: ۶۳). پی یون^۶ (۲۰۰۸) در طرح تحقیقاتی خود بر روی شهرهای کوچک چین اظهار می‌دارد که شهرهای کوچک مکان‌های مناسبی برای توسعه کانون‌های زیستی بوده و مهاجران روستایی را در برخی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی جذب نموده و مانع از حرکت آنها به شهرهای بزرگ منطقه می‌شود (پی یون، ۲۰۰۸: ۸۴). مرکز توسعه منطقه‌ای سازمان ملل متحد اعتبار شهرهای کوچک و میانی در کشورهای در حال توسعه را بیشتر در گرو سیاست‌های توسعه شامل پخش و توزیع جمعیت و برنامه‌های سرمایه گذاری در زیرساخت‌های نقاط پیرامونی کلان شهرها می‌داند (مرکز سازمان ملل متحد برای اسکان بشر، ۲۰۰۹: ۲۵-۲۹). لانگ (۲۰۱۱) در مطالعه خود که به بررسی تحلیل توسعه روستایی در چین از ورود به هزاره سوم جدید بیان می‌دارد که شهرهای کوچک می‌تواند در کشورهای در حال توسعه، قسمتی از نیروی کار را که به کشاورزی نمی‌پردازند به خود جذب کند و نقش مهمی در اشتغال روستاییان داشته باشد (لانگ، ۲۰۱۱: ۱۰۹۴).

1. Ligale
2. Umo
3. Hardoy & Satterthwaite
4. Handrek & Titus
5. Kamanda
6. Puwen

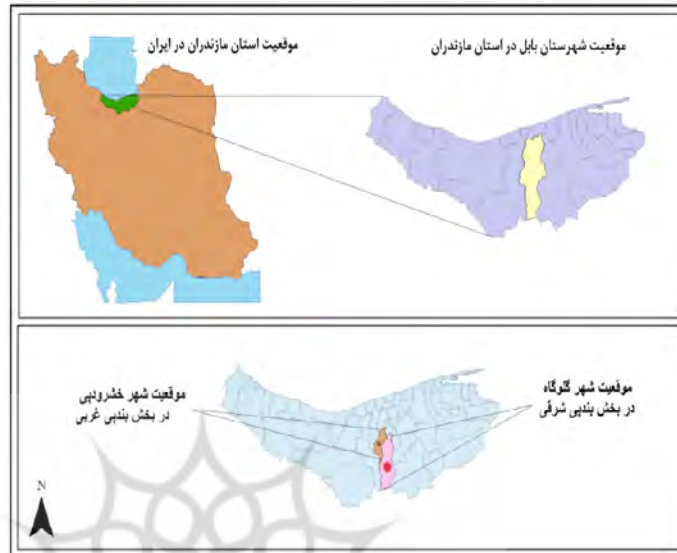
در کشور ما سابقه توجه به شهرهای کوچک به مفهوم خاص آن از دیدگاه آمایشی، از برنامه پنجم عمرانی پیش از انقلاب (۱۳۵۲-۵۶) شروع گردیده است که این امر هم‌زمان با دهه ۱۹۷۰ میلادی بوده است (ایزدی، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۳۲)، علاوه بر برنامه عمرانی در مطالعات طرح آمایش سرزمین ستیران در ایران (۱۳۵۶) توجه به شهرهای کوچک، به عنوان عامل اصلی حفظ تعادل محیطی جامعه روستایی مطرح شده است. در برنامه‌ی پنجساله‌ی اول توسعه (۷۳-۱۳۶۹) افزایش سرعت توسعه‌ی شهرهای کوچک و میانی و کاهش سرعت رشد کلان شهرها به عنوان عامل مهمی در توازن فعالیت و جمعیت انگاشته شده است. در برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴) و سوم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹) به حمایت از شهرهای کوچک و متوسط با تاکید بر جلوگیری از توسعه کلانشهرها پرداخته شده است (زبردست، ۱۳۸۳: ۵۸).

پژوهش‌های چندی در زمینه نقش و عملکرد شهرهای کوچک در کشور ما، که عمدتاً از طریق ارتقای روستا به شهر بوده است صورت گرفته است و طرفداران شهرهای کوچک جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاه‌ها را به عنوان مراکز خدمات منطقه‌ای در توسعه روستایی مطرح می‌کنند (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸)، که در ایجاد اشتغال غیرکشاورزی و تقویت خدمات تجاری، اداری، آموزشی و بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ مؤثر بوده‌اند (ضیاء توانا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۶) و باعث بهبود کیفیت زندگی در این شهرهاست (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). در این میان زهره فنی (۱۳۷۵) نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (خوزستان) را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفت که این نوع شهرها در توزیع متوازن جمعیت در سطح منطقه مؤثر هستند. شریفی نیا و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه که به صورت موردی بر روی دهستان نظام آباد شهرستان آزادشهر انجام شده است، نتیجه‌ای که حاصل شد نشان داد که بعد از شهر شدن ننگین شهر، که نزدیکی بیشتری نسبت به سایر سکونتگاه‌ها داشته و به عنوان مکان مرکزی نقش مهمی را در خدمات رسانی به نواحی پیرامونی خود و کاهش وابستگی نواحی روستایی به مرکز شهرستان ایفا نموده است (شریفی نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۳). ابراهیم زاده و همکاران در مقاله‌ی دیگر با عنوان «تحلیلی کاربردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی» زاهدشهر در بخش شیبکوه فسا نتایج پژوهش نشان داد که رشد و توسعه شهر کوچک زاهدشهر به طور مستقیم به شرایط اجتماعی و اقتصادی حوزه نفوذ پیرامونی وابسته است و ثبات جمعیت روستایی و تولیدات کشاورزی به واسطه کارآمدی ارائه خدمات در این گونه شهرهای کوچک به حوزه پیرامونی شان، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). حسین آبادی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل بر نقش شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای پیرامون» با مطالعه موردی شهرستان قیروکارزین به بررسی میزان رابطه روستاهای پیرامون با این شهرستان و توسعه اقتصادی - اجتماعی آنها و تأثیرگذاری عوامل جغرافیایی بر این مقوله پرداخته است، که نتایج حاکی از وجود همبستگی بین میزان ارتباط روستاهای پیرامون با شهر قیر در بسیاری از شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است (حسین آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

معرفی محدوده‌ی پژوهش

شهر گلوگاه در جنوب شهرستان بابل و مرکز بخش بندپی شرقی بر روی جلگه‌ای پست و هموار واقع شده است و از نظر توپوگرافی به تدریج از شمال به جنوب شهر، بر میزان شیب و ناهمواری زمین افزوده می‌شود و علت نام‌گذاری آن به علت موقعیت استراتژیکی و چهارراهی بودن آن بوده است. دهستان گلوگاه در سال ۱۳۴۵ دارای ۱۷۵۰ نفر جمعیت بوده است و در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۲ به عنوان شهر انتخاب و در سال ۱۳۸۳ شهرداری در آن تاسیس شده است جمعیت این شهر در سال ۱۳۸۵، ۵۰۶۰ نفر با احتساب روستاهای الحاقی بوده و طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت آن معادل ۵۰۸۶ نفر بوده است. شهر خشروپبی نیز در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر بابل در مرکز بخش بندپی

غربی شهرستان بابل و ۶۷ کیلومتری استان مازندران، در کنار جنگل‌های بسیار زیبا واقع که از شمال به شهر بابل و از شرق به شهر گلوگاه و از غرب به شهرهای زرگر محله و آمل و از جنوب به جنگل و سد شیاده محدود می‌گردد و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۷۴ متر که دارای ۱۹۰ هکتار محدوده قانونی و ۵۵۸ هکتار محدوده حریم و طبق آخرین سرشماری مرکز آمار در سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهر در حدود ۵۱۸۳ نفر بوده است. شهر خشرودپی در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۲ به عنوان شهر انتخاب و شهرداری در سال ۱۳۸۱/۱۱/۲۹ در این شهر تاسیس شد. درجه شهرداری این شهر در سال ۱۳۸۳ یک بوده و به تدریج به درجه سه در سال ۱۳۹۳ رسیده است (شهرداری خشرودپی، ۱۳۹۴).



نقشه ۱: موقعیت شهر خشرودپی و گلوگاه در استان مازندران، منبع: نویسندگان، ۱۳۹۷

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش پیمایشی بوده و برای انجام آن ابتدا مطالعات سازمان یافته به صورت کتابخانه‌ای و بازدید مقدماتی انجام شده و مطالعه میدانی آن با استفاده از ابزارهای پژوهش (مصاحبه و پرسشنامه) صورت گرفته است. جامعه مورد مطالعه ما در این پژوهش ساکنان شهرهای خشرودپی و گلوگاه از شهرستان بابل می‌باشند که به طور تصادفی ۲۰۰ نمونه انتخاب شده‌اند و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع شده است. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ بدست آمده است که ۰/۷۴٪ رانشان می‌دهد پس از تدوین اولیه سوالات بر اساس متغیرها، روایی محتوایی پرسشنامه با کمک چند نفر از اساتید مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحاتی در آن اعمال شد. برای بررسی پایایی پس از تکمیل ۱۸ پرسشنامه به عنوان مطالعه اولیه، پایایی پنج مقیاس اصلی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و مقدار آن برای مقیاس بررسی مؤلفه‌های توسعه شهری ۰/۷۴، مقیاس خدمات شهر و... برآورد شد.

در پژوهش پیش رو واحد تحلیل سرپرستان خانوارهای شهر و قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۳۹۵ می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده شد. میزان انحراف معیار در این فرمول از مرحله‌ی پیش آزمون به مقدار ۰/۵۹ به دست آمد و نصف دقت احتمالی (d) ۰/۰۸ در نظر گرفته شد.

فرمول کوکران:

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2}$$

همچنین، تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش‌های آماری صورت گرفته است. در تحلیل‌های کمی از نرم افزار SPSS و آزمون‌های ناپارامتریک چون کای اسکوئر تک نمونه‌ای، فریدمن، اسپیرمن و فای استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل و یافته‌ها پژوهش

خصوصیات فردی جامعه تحقیق

بیش از نیمی از افراد ساکن شهر خودشان بودند با فراوانی ۱۰۸ نفر، و مابقی از روستاهای اطراف که به این شهرها مهاجرت کرده‌اند، بیشترین فراوانی سطح تحصیلات مربوط به تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم به تعداد ۷۲ نفر و کمترین سطح دکتری به تعداد ۲ نفر، بیشترین پاسخ دهندگان معادل ۱۱۴ نفر در بخش خدمات، و کمترین پاسخ دهندگان معادل ۱۰ نفر در بخش صنعت مشغول به فعالیت بودند، بیشترین فراوانی طبقه درآمدی در سطح ۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰ تومان، و با میانگین درآمد ۹۰۰۰۰۰ تومان، و با واریانس ۱،۱۸۳، و بین ۰ تا ۱۰ میلیون تومان متغیر بوده‌اند. در این تحقیق با استفاده از مواردی مانند میزان رضایت از محل زندگی، انگیزه ماندن در این شهر، میزان امیدواری به بهبود شرایط زندگی در آینده، میزان مشارکت در طرح‌های شهری، چالش‌ها و راهبردها و... بکارگرفته شده و شاخص‌های آن مبتنی بر گزارش شخصی افراد از ادراکاتشان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است و ادراکات و ارزشیابی‌های افراد را از وضعیت عینی زندگی‌شان نمایش می‌دهد که به وسیله نظرسنجی از خانوارهای ساکن در محدوده مطالعاتی انجام شد.

بررسی چالش‌ها و راهبردهای توسعه فضایی

بعد توسعه شهری

به منظور بررسی تأثیر شهر شدن و تأسیس شهرداری در میان شهروندان هر دو شهر مورد مطالعه از مؤلفه‌های مانند افزایش مهاجرت به این شهر، تغییر فرهنگ روستا نشینی، تغییر آداب و رسوم اجتماعی، ترویج فرهنگ شهرگرایی و افزایش سواد استفاده شده است که در این میان با توجه به پاسخ شهروندان بیشترین تأثیر مربوط به تغییر آداب و رسوم اجتماعی با میانگین رتبه‌ای ۳/۶۳ و کمترین آن مربوط به افزایش سطح آگاهی و دانش مردم در خصوص حقوق شهروندی سواد با میانگین رتبه‌ای ۲/۷۸ بوده است. همچنین با نتایج حاصل از آزمون کای اسکوئر تک نمونه ایی نشان می‌دهد که بین تمامی مؤلفه‌هارابطه‌ی معناداری تا سطح ۹۹٪ وجود دارد.

جدول ۱: جدول توزیع فراوانی و بررسی مؤلفه‌های توسعه شهری با استفاده از آزمون کای اسکوئر تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	Chi-Square	میانگین رتبه‌ای	فراوانی					سوالات
					خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
*	۰/۰۰۲	۴	۷۵/۰۵	۳/۱۴	۱۴	۳۵	۷۸	۵۵	۱۸	افزایش مهاجرت به این شهر
*	۰/۰۰۰	۵	۹۰/۴	۳/۵۰	۶	۲۴	۶۶	۷۱	۳۳	افزایش سطح سواد
*	۰/۰۰۰	۴	۸۳/۵۵	۳/۶۳	۶	۱۸	۶۴	۶۷	۴۵	تغییر آداب و رسوم اجتماعی
*	۰/۰۰۰	۴	۸۴/۳۵	۳/۵۰	۱۲	۲۴	۵۹	۵۵	۵۰	تغییر فرهنگ روستا نشینی

	*	۰/۰۰۴	۴	۵۸/۸۵	۳/۱۷	۹	۴۶	۷۱	۵۰	۲۴	ترویج فرهنگ شهرگرایی
	*	۰/۰۰۰	۴	۸۶/۵۵	۲/۷۸	۲۱	۶۶	۶۲	۳۸	۱۳	افزایش سطح آگاهی و دانش مردم در خصوص حقوق شهروندی

مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

* ۹۹ درصد معناداری

بُعد خدمات شهری

برای سنجش میزان رضایت شهروندان خشرویدی و گلوگاه از وضعیت خدمات شهری در شهر از ۲۰ گویه استفاده شده که در این بین به منظور مقایسه و رتبه بندی میزان رضایتمندی شهروندان از ارائه خدمات شهری از آزمون فریدمن مورد استفاده قرار گرفته است که نتایج حاکی از آن است که درختکاری کنار معابر و دسترسی به مراکز خرید روزانه دارای بالاترین رتبه شده‌اند و جمع آوری و تفکیک زباله و نظافت و تمیزی شهر کمترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و در بین تمامی مؤلفه‌های مذکور تا سطح ۹۹٪ درصد تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲: بررسی رضایتمندی شهروندان از وضعیت خدمات و امکانات شهری با استفاده از آزمون فریدمن

ردیف	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه ابی	رتبه بندی فریدمن	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	
						تایید	رد
۱	کیفیت مسکن	۳/۳۴	۱۱/۰۸	۱۹	۰/۰۰۰	*	
۲	دسترسی به وسایل نقلیه عمومی	۳/۵۲	۱۱/۹۵				
۳	دسترسی به مراکز خرید روزانه	۴/۱۲	۱۲/۶۹				
۴	نظافت و تمیزی شهری	۲/۴۶	۷/۷۰				
۵	تأسیسات درمانی و بهداشتی	۳/۳۴	۱۱/۰۸				
۶	مسجد و تکایا	۳/۸۰	۱۲/۲۰				
۷	وجود کتابخانه	۳	۹/۲۱				
۸	دسترسی به امکانات آموزشی	۳/۸۰	۱۲/۴۴				
۹	دسترسی به امکانات تفریحی	۲/۷۱	۸/۷۰				
۱۰	وجود امنیت عمومی	۲/۷۸	۸/۸۶				
۱۱	بوی بد	۴	۱۲/۴۸				
۱۲	سروصدا	۳/۹۹	۱۲/۴۶				
۱۳	وضعیت و کیفیت معابر	۲/۸۳	۸/۵۰				
۱۴	کیفیت آب	۳/۰۲	۹/۸۶				
۱۵	وضعیت روشنایی	۳/۲۱	۱۰/۷۴				
۱۶	جمع آوری سیلاب و آب باران	۳/۴۵	۸/۳۴				
۱۷	جمع آوری زباله	۲/۲۷	۵/۶۸				
۱۸	درختکاری در کنار معابر	۴/۳۲	۱۳/۳۴				
۱۹	فضای سبز و پارک	۳/۵۲	۱۱/۹۵				
۲۰	عرض‌معابر و کوچه‌ها	۳/۱۴	۱۰/۲۵				

مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

* ۹۹ درصد معناداری

بُعد عملکرد نهادهای شهری

همانطوریکه در جدول توزیع فراوانی شماره ۳ در خصوص بررسی میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد نهادهای مختلف شهری مشاهده می‌شود بیشترین میانگین رتبه‌ای از رضایتمندی شهروندان از نهادهای مسئول شهری مربوط به مخابرات و اداره برق بوده و کمترین میانگین رتبه‌ای مربوط به شورای شهر و شهرداری می‌باشد. همچنین با استفاده از آزمون فریدمن برای سنجش مقایسه و رتبه بندی میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد نهادهای شهری استفاده شده است که نتایج نشان داد میان تمامی مؤلفه‌ها تا سطح اطمینان ۹۹٪ تفاوت معناداری وجود دارد لذا مرکز مخابرات و اداره برق دارای بالاترین رتبه و عملکرد شورای شهر و شهرداری پایین‌ترین رتبه را داشته‌اند که نشان از عملکرد ضعیف این نهادهای شهری در شهرهای خشروودی و گلوگاه می‌باشد و نیازمند توجه هرچه بیشتر این مسئولان در مدیریت شهری می‌باشد.

جدول ۳. میزان رضایتمندی شهروندان از نهادهایی مسئول شهری با استفاده از آزمون فریدمن

نتیجه	رد	تایید	سطح معناداری	درجه آزادی	رتبه بندی فریدمن	میانگین رتبه ای	فراوانی				مؤلفه‌ها	
							خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد		خیلی زیاد
					۳/۹۲	۲/۶۱	۳۲	۶۸	۶۱	۲۵	۱۴	شهرداری
					۳/۶۸	۲/۲۲	۴۶	۷۸	۶۴	۹	۳	شورای شهر
					۴/۸۰	۳/۰۳	۱۳	۴۷	۷۵	۵۰	۱۵	اداره آب و فاضلاب
	*		۰/۰۰۰	۶	۴/۶۲	۲/۴۴	۳۹	۷۲	۵۹	۲۲	۸	اداره گاز
					۵/۵۴	۳/۶۹	۵	۲۲	۵۴	۶۷	۵۲	اداره برق
					۵/۷۶	۳/۹۵	۱	۱۷	۳۰	۹۵	۵۷	مخابرات
					۵/۱۱	۳/۲۳	۱۶	۴۴	۶۸	۴۷	۲۴	نیروی انتظامی

مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

* ۹۹ درصد معناداری

بررسی رابطه‌ی روحیه‌ی تعاون و همکاری شهروندان در مراحل مختلف طرح‌های شهری

برای بررسی میزان مشارکت شهروندان در مراحل مختلف طرح‌های شهری پرسش میدانی صورت گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد مرحله‌ای که شهروندان بیشترین پاسخ مثبت را داشته‌اند مرح حفظ و نگهداری و استفاده صحیح از طرح‌ها و پروژه‌های انجام شده بوده که با ۲۵٪ درصد پاسخ مثبت شهروندان همراه بوده است و در مقابل در دیگر مراحل مشارکت بیش از ۹۰ درصد پاسخ دهندگان پاسخ منفی و عدم مشارکت را داده بودند و این نشانگر ضعف و عدم همکاری و مشارکت افراد در روند توسعه طرح‌های شهری در جامعه هدف می‌باشد، برای بررسی رابطه‌ی روحیه‌ی تعاون و همکاری شهروندان در مسائل شهری با مشارکت در طرح‌ها و فعالیت‌های مختلف عمرانی و خدماتی شهری از تحلیل همبستگی اسپیرمن استفاده شده که نتایج حاصل از این آزمون مبین آن است که در بین ۴ مراحل مختلف مشارکت در طرح‌های عمرانی و شهری بررسی شده تنها حفظ و نگهداری و استفاده صحیح از طرح‌ها و پروژه‌های انجام شده تا سطح اطمینان ۹۹٪ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد و گویه‌های از قبیل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی برنامه‌ها، اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها، نظارت بر اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها عدم مشارکت شهروندان را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴: بررسی رابطه‌ی روحیه‌ی تعاون و همکاری شهروندان در مراحل مختلف طرح‌های شهری با استفاده از آزمون

اسپرمن

نتیجه		سطح معناداری	آماره اسپرمن	تعداد نمونه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
رد	تایید					
**		۰,۴۶۶	۰,۷۴	۲۰۰	تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی برنامه‌ها	روحیه تعاون و همکاری شهروندان در مسائل شهری
**		۰,۸۸۴	-۰,۰۱۵		اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها	
	*	۰,۰۳۱	-۰,۲۱۶		نظارت بر اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها	
**		۰,۱۶۶	۰,۱۴۰		حفظ و نگهداری و استفاده صحیح از طرح‌ها و پروژه‌های انجام شده	

مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

** عدم معناداری

* ۹۹ درصد معناداری

بررسی موانع و مشکلات فراروی توسعه شهری

همانطوریکه در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود در بین مؤلفه‌های بررسی شده به عنوان موانع پیش روی شهرداری در اجرای طرح‌های توسعه و عمرانی شهر، پایین بودن آگاهی و سواد شورای شهر و نداشتن سواد کافی و تخصص شهردار به عنوان مهم‌ترین چالش فراروی توسعه شهری محسوب می‌شود، بطوریکه در جدول توزیع دو مؤلفه‌ی مذکور دارای بالاترین میانگین رتبه‌ای هستند علاوه بر آن پایین بودن آگاهی و سواد کارمندان شهرداری، اهمیت ندادن شهرداری به مشارکت مردم، عدم وجود برنامه عمرانی مشخص در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند و از میانگین رتبه‌ی پایین‌تری برخوردار می‌باشند اما در مقابل به ترتیب مؤلفه‌های عدم استقبال مردم از زندگی شهری و ماشینی با میانگین رتبه‌ای ۲/۷۴ و علاقه مردم به زندگی سنتی با میانگین رتبه‌ی ۳/۱ نسبت به مؤلفه‌های ذکر شده به عنوان کم‌اهمیت‌ترین مانع فراروی توسعه شهری محسوب می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از آزمون کای اسکوئر تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌ها به عنوان موانع در اجرای طرح توسعه و عمرانی شهر تا سطح اطمینان ۹۹٪ درصد رابطه‌ی معناداری دارد.

جدول ۵: مهمترین موانع پیش روی شهرداری در اجرای طرح‌های توسعه و عمرانی شهرها با استفاده از آزمون کای اسکوئر

ردیف	موانع و مشکلات / گزینه	فراوانی					میانگین رتبه‌ای	Chi-Square	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	
		خیلی زیاد	زیاد	حدود حدود	کم	خیلی کم					تایید	رد
۱	پایین بودن آگاهی و سواد شورای شهر	۸۱	۶۷	۴۱	۱۱	۰	۴/۰۹	۳	۰/۰۰۰	*		
۲	پایین بودن آگاهی و سواد کارمندان شهرداری	۶۴	۵۸	۵۲	۱۹	۷	۳/۷۶	۴	۰/۰۰۰	*		
۳	نداشتن سواد و تخصص شهردار	۷۲	۵۳	۴۸	۲۱	۶	۳/۸۲	۴	۰/۰۰۰	*		
۴	اهمیت ندادن شهرداری به مشارکت مردم	۷۳	۵۴	۳۹	۲۲	۱۲	۳/۷۷	۴	۰/۰۰۰	*		
۵	عدم وجود منفعت (منافع اقتصادی-اجتماعی) برای مردم	۴۱	۴۱	۵۷	۴۵	۱۶	۳/۲۳	۴	۰/۰۰۰	*		
۶	عدم وجود برنامه‌مهرانی مشخص‌ر راستای توسعه شهری	۶۰	۵۰	۶۰	۱۹	۱۱	۳/۶۴	۴	۰/۰۰۰	*		
۵	عدم انسجام اجتماعی و وجود اختلافات محلی	۶۴	۵۵	۵۷	۱۵	۹	۳/۷۵	۴	۰/۰۰۰	*		
۷	عدم استقبال مردم از زندگی شهری و ماشینی	۱۴	۲۶	۷۳	۶۸	۱۹	۲/۷۴	۴	۰/۰۰۰	*		
۸	علاقه مردم به زندگی سستی	۲۹	۳۰	۷۰	۵۴	۱۷	۳/۱	۵	۰/۰۰۰	*		

* ۹۹ درصد معناداری مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

همچنین نتایج آزمون فریدمن که به منظور مقایسه و رتبه‌بندی موانع و مشکلات شهرداری مورد استفاده قرار گرفته است حاکی از آن است که پایین بودن آگاهی و سواد شهرداری شهر، نداشتن سواد و تخصص شهرداری بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و در مقابل عدم استقبال مردم به زندگی شهری و علاقه مردم به زندگی سستی دارای پایین‌ترین رتبه هستند به طوریکه ۸ مؤلفه‌ی بررسی شده به عنوان موانع و مشکلات شهرداری تا سطح ۰/۹۹ درصد تفاوت معناداری را نشان می‌دهند (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه میانگین موانع و مشکلات شهرداری در اجرای برنامه عمرانی شهری با استفاده از آزمون فریدمن

ردیف	موانع و مشکلات / گزینه	رتبه بندی فریدمن	Chi-Square	درجه آزاد	سطح معنادار	نتیجه	
						تایید	رد
۱	پایین بودن آگاهی و سواد شورای شهر	۶/۲۴	۱۰۶ ۲۵۶	۸	۰/۰۰۰	*	
۲	پایین بودن آگاهی و سواد کارمندان شهرداری	۵/۴۸					
۳	نداشتن سواد و تخصص شهردار	۵/۷۵					
۴	اهمیت ندادن شهرداری به مشارکت مردم	۵/۵۴					
۵	عدم وجود منفعت (منافع اقتصادی-اجتماعی) برای مردم	۴/۲۸					
۶	عدم وجود برنامه عمرانی مشخص‌ر راستای توسعه شهری	۵/۲۷					
۵	عدم انسجام اجتماعی و وجود اختلافات محلی	۵/۳۷					

					۳/۲۳	عدم استقبال مردم از زندگی شهری و ماشینی	۷
					۳/۸۳	علاقه مردم به زندگی سنتی	۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* ۹۹ درصد معناداری

بررسی ماندگاری شهروندان

در بررسی ماندگاری شهروندان پس از تأسیس شهرداری از آزمون فای استفاده شده است و میزان ماندگاری شهروندان را یکبار با این پرسش که آیا شهروندان با داشتن درآمد بیشتر شهرشان را ترک می‌کنند و به شهر بزرگتری می‌روند و بار دوم به این سؤال که آیا در صورت بهبود شرایط و توسعه شهر تمایلشان به ماندن بیشتر می‌شود سنجیده شده است که شهروندان در پاسخ به سوال اول این آزمون را رد کرده‌اند و مبین این موضوع است که میزان ماندگاری شهروندان با افزایش درآمدشان کاهش می‌یابد و در پاسخ به پرسش بعدی شهروندان تمایل به ماندنشان را با توجه به توسعه و بهبود وضعیت شهرها بیشتر می‌دانند و این آزمون را تایید می‌کنند بنابراین مسئولین و نهادهای شهری این دو شهر باید در جهت بهتر شدن شرایط زندگی و امکانات و خدمات بیشتر و متنوع‌تر شهری تلاش بیشتری بکنند تا با افزایش جمعیت و کاهش مهاجرت را داشته باشند (جدول ۷).

جدول ۷: تمایل به ماندگاری شهروندان خشروپدی و گلوگاه با استفاده از آزمون فای

نتیجه	متغیر	متغیر	ضریب فای	سطح معناداری	تأیید	
					رد	*
*	بعد از تأسیس شهرداری، وضع شهروندان بهتر شده است؟	اگر درآمد بیشتری داشتید این شهر را ترک می‌کردید و به شهر بزرگتری می‌رفتند؟	۰,۱۴	۰,۳۵۵		*
*	در صورت توسعه و بهبود وضعیت شهر به ادامه زندگی در این شهر تمایل دارند؟		۰,۲۳	۰,۰۲۱	*	

مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۷

* ۹۹ درصد معناداری

نتیجه‌گیری

شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به دنبال آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ از ویژگی‌های عصر حاضر است و توسعه‌ی پایدار آن‌ها در گرو داشتن برنامه ریزی و مدیریت شهری کارآمد است. آنچه همواره در مدیریت شهری مورد توجه است عمدتاً مسائل و مشکلات کلان شهرها و شهرهای بزرگ، گاهی شهرهای میانی می‌باشد و کمتر توجهی به مسائل و مشکلات مدیریتی در شهرهای کوچک و نوپا (روستا شهرها) می‌شود. در صورتی اگر شهرهای نوپا و کوچک بتوانند از نظر اقتصادی خودکفا باشند می‌توانند با پذیرش سهم عمده‌ای از عوامل منابع تولید، سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی منطقه موجب شکوفایی و رونق ناحیه پیرامونی خود گردند و حتی از نظر منابع درآمدی نیاز چندانی به سازمان‌های بالا و تصمیم‌گیرندگان اصلی نداشته باشند از سویی این امر تنها با سیستم مدیریتی صحیح و همه جانبه در همه ارکان شهر با توجه به پتانسیل‌ها و استعدادهای شهرهای کوچک و نوپا میسر خواهد شد از سویی دیگر پیچیدگی‌های روستا شهرها به گونه‌ای است که اگر ابزار و نیروی کافی برای مدیریت آن فراهم نشود، ولو کوچک و کم جمعیت باشد، اداره‌ی آن به مراتب از شهرهای بزرگ دشوارتر خواهد بود.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این تحقیق مشخص شد که مردم منطقه مورد مطالعه با شهر شدن مراکز بخش‌ها و روستاها انتظاراتشان بسیار بالاتر از قبل شده و در بعضی موارد مثل کمبود امکانات و بافت روستایی شهر ناراضی هستند، بنابراین تبدیل روستا به شهر بدون ایجاد بسترهای مناسب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیربنایی

علاوه بر افزایش هزینه‌های بخش عمومی به دلیل عدم توانایی ساکنین در تأمین هزینه‌ها، سبب افزایش سطح توقع و انتظار ساکنین این سکونتگاه‌ها می‌گردد. همچنین در این تحقیق با توجه به یافته‌ها و بررسی‌های انجام شده مشخص شد که بیشترین تأثیر مربوط به تغییر آداب و رسوم اجتماعی از مؤلفه‌های توسعه شهری بوده است و بهترین وضعیت مطلوب از خدمات شهری را درختکاری کنار معابر و دسترسی به مراکز خرید داشته و مشکل زباله و تفکیک و دفن آن از معضلات اساسی این روستا شهرها می‌باشد. همچنین روشن شد که از چالش‌های اساسی این گونه شهرها عملکرد ضعیف نهادهای شهری و هماهنگ سازی بین آن‌ها بوده است از آنجایی که این منطقه مورد مطالعه یک منطقه‌ی جلگه‌ای و خاص هست و دارای وضعیت توپوگرافی و زمین شناسی خاصی است و در برخی امور همچون دفن زباله‌ها که شیرابه‌های آن از منابع اصلی آلاینده سفره‌های آب زیرزمینی است دقت ویژه‌ای می‌طلبد. در رابطه با روحیه‌ی مشارکت شهروندان در مراحل مختلف طرح‌های شهری مشخص شد که شهروندان تنها در مرحله حفظ و نگهداری این طرح‌ها فعالیت ناچیزی از خود نشان می‌دهند و در باقی مراحل هر طرح شهری از آغاز تا پایان آن هیچ گونه مشارکتی ندارند.

در بین گزینه‌های سنجیده شده برای تعیین مهم‌ترین موانع پیش روی شهرداری در اجرای طرح‌های توسعه و عمرانی شهر، پایین بودن آگاهی و سواد شورای شهر و نداشتن سواد کافی و تخصص شهردار به عنوان مهم‌ترین چالش فراروی توسعه شهری بوده و در مقابل عدم استقبال مردم به زندگی شهری و علاقه مردم به زندگی سنتی دارای اهمیت کمتری بوده است. عده‌ای از شهروندان علت عدم تمایل خود را برای ادامه زندگی در شهرشان کمبود امکانات تفریحی، آموزشی و رفاهی و بهداشتی، به انجام نرسیدن بسیاری از طرح‌ها و کند بودن رشد و توسعه شهر، نداشتن درآمد کافی، نارضایتی از عملکرد شهرداری و ناهماهنگی بین مردم و مدیران شهری، نبود انسجام بین مردم، نداشتن برنامه ریزی دقیق و مستمر برای شهر ذکر کرده‌اند در نهایت روشن شد که میزان تمایل شهروندان دو شهر نیز به تبع بهبود کیفیت زندگی و توسعه شهری افزایش می‌یابد و افراد با بهتر شدن شرایط زندگی در این شهرها علاقه‌مندی بیشتری برای ماندن در این شهرها پیدا می‌کنند.

بنابراین انجام اقدامات لازم در خصوص بسترسازی مناسب جهت تبدیل شدن این سکونتگاه‌ها به شهر، می‌تواند زمینه‌های مشکلات یاد شده را از میان بر دارد؛ لذا اگر بخواهیم در مدیریت شهری موفق عمل کنیم باید به صورت منطقی و یکپارچه تمام امکانات و تخصص خود را به کار گیریم تا محیطی رضایت بخش برای شهروندان ایجاد نماییم. بنابراین مسئولین و نهادهای شهری هر دو شهر باید نوعی از مدل اقتصادی و برنامه ریزی پایدار مبتنی بر محیط زیست و جذابیت‌های آن طراحی و عملیاتی کنند تا با بهبود کیفیت زندگی، امکانات شهری کافی و وافی و بالابردن استانداردهای خدمات شهری به توسعه‌ی این روستا شهرها دست یابند.

منابع

- ۱- ابراهیم‌زاده، عیسی، طبیعی، نجمه، شفیعی، یوسف (تابستان ۱۳۹۱): «تحلیلی کارکردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی مطالعه موردی؛ زاهدشهر در بخش شبیکوه فسا»، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۳، شماره ۴۶، اصفهان، صص ۱۷۲-۱۵۱.
- ۲- افراخته، حسن، برزگر، صادق و هادی سلیمانی مقدم (بهار ۱۳۸۹): «نقش شهرهای کوچک در توسعه ناحیه‌ای (مطالعه موردی: شهر زیرآب)»، فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۳، بروجرد، صص ۲۳-۵.
- ۳- اکبریان رونیزی، سعیدرضا (۱۳۹۳)، بررسی نقش ارتقاء روستاها به شهر در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان ایچ)، فصلنامه‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۰۳.
- ۴- ایزادی خرامه، حسن (۱۳۸۰)، شهرهای میانی و نقش آن در توسعه روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه استان فارس، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۵- برقی، حمید، قنبری، یوسف، سیف‌الهی، محمود (۱۳۹۰)، بررسی رضایت‌مندی ساکنان مناطق روستایی در تبدیل نقاط روستایی به شهر، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۲۱۵-۲۳۳.
- ۶- توانا، محمدحسن، قادرمزی، حامد (۱۳۸۸)، تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیرانشهر در فرایند خزش شهر روستاهای نایسر و حسن‌آباد سنندج، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۸، ۱۱۹-۱۳۵.
- ۷- حسین آبادی، مصطفی، پورطاهری، مهدی، محیط سکه روانی، اصغر (۱۳۹۱): «تحلیلی بر نقش شهرهای کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای پیرامون (مطالعه موردی: شهرستان قیروکارزین)»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۳، اصفهان، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- ۸- داگلاس، مایک (۱۳۸۸): «استراتژی ایجاد شبکه منطقه‌ای» به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا. مترجم: سوسن چاره جو، فصلنامه کتاب و ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، تهران، صص ۹۵-۸۶.
- ۹- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و فاطمه احمدی (۱۳۸۹): «ارتقای روستا به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۶۵-۳۳.
- ۱۰- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳)، اندازه شهر، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۱۱- زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۹۲)، فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خامشهرها، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۳۵-۵۵۷.
- ۱۲- زنگنه، یعقوب، سمیعی پور، داوود، حمیدیان، علیرضا (۱۳۹۲)، تبدیل روستا به شهر و نقش آندر توسعه منطقه‌ای و تحولات نظام شهری مطالعه موردی استان خراسان رضوی، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۷-۳۶.
- ۱۳- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، روابط و پیوندهای روستایی- شهری در ایران، انتشارات مهرمینو، چاپ اول، تهران.

- ۱۴- سیف الهی، محمود، شهابی، سیامک، صالحی، اصغر (۱۳۸۷)، اثرات تبدیل روستا به شهر بر بخش کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه موردی شهر اژیه در پایاب، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۷۷-۹۶.
- ۱۵- شریفی نیا، زهرا و محمدرضا نورا (زمستان ۱۳۸۹): «بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۱، گرمسار، صص ۱۰۹-۹۳.
- ۱۶- شهرداری خسرودی، ۱۳۹۴.
- ۱۷- کریمی، بهرام، بدری، سیدعلی، سلیمانی، محمد و مجتبی قدیری معصوم، (پاییز ۱۳۹۱)، «ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی: بخش دیلمان- شهرستان سیاهکل)»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره ۳، تهران، صص ۳۱-۱.
- ۱۸- لطفی، صدیقه، ملک‌شاهی، غلامرضا، نجفی، مریم (۱۳۹۵)، بررسی نقش شهرهای نوپا و کوچک در تعادل بخشی سیستم‌های شهری مطالعه موردی: شهر خسرودی، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱۰۳-۱۱۴.
- ۱۹- محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱)، تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: شهر بجنورد، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
- ۲۰- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۸۵.
- ۲۱- مهندسین مشاور شاراندیشان پارس، ۱۳۸۵.
- ۲۲- نوری، هدایت، حسینی ابری، سیدحسن و حسین خادمی (بهار ۱۳۸۸): «نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، زاهدان، صص ۷۷-۶۱.
- 23- Bartsch Charles & Wells Barbara (2006) , Financing Brownfield Redevelopment in small towns and Rural Area: Helpful Hints and Examples- Northeast- Midwest Institute. www.nemw.org. April 2006.
- 24- Hardoy and Satterthwaite (1986) :The Rol of Small and Intermedia Urban Centers in the National and Regional Development, London.
- 25- Hinderin K, J. and Titus, M (2002) : Small Towns and Reginal Development: Major Findings, Urban Studies , Vol 39, No.30.
- 26- Kamanda, U (2007) :concept of urban centers and small town in Latin America: Brazilia, P63.
- 27- Ligale, A .N (1982) : The Role Small and Intermediate Cities in National Development in Africa, UNCRD, Nagoya, Japan
- 28- Long, Hualou, Jian, Zou, Yansui, Liu (2009) : “Differentiation of rural development driven by industrialization and urbanization in eastern coastal china”, Journal Habitat International 33.
- 29- Long, Hualou (2011) : Analysis of rural transformation development in China since the turn of the new millennium, Applied Geography, 31, pp1094-1105.
- 30- Omoja Lawrence Onwura (1987) :The Role of Small Town in Rural Development in Bomo State, Nigeria, Uk, London University (PHD.D).
- 31- Puwen, K(2008) : role of small centers and development, a case study: Indonesia, Cambon University.
- 32- Umo, Joe. U (1983) :Small and Intermedia Cities as a Development Strategy, New Direction in Urban Geography.
- 33- UNCHC (2009) :small town and its position in third world, NewYork, pp25-29.

34-United Nations Center for Human Settlement (UNCHS) (habitat) (1985) , Population Distribution and Urbanization, A Review of Policy Options, Nairobi Kenya, UNCHS (habitat).

35- www.amar.org.ir

